

## ختیبت اول!

یادداشتی در رابطه با برخی بهترین‌ترها و ویژگی‌های روان‌شناسی اسلامی

مجید اسدپور کارشناس ارشد فلسفه علم دانشگاه سمنی شریف  
(majid.asadpour@gmail.com)

روان‌شناسی کنونی در حقیقت مجموعه‌ای با پیش‌فرض‌ها و دانش‌زمینه‌ای مدرن در مواجهه با روان، نفس و ذهن انسان است که سابقه‌های طولانی و سیطره‌های گسترده بر جامعه علمی دارد. این نگاه مادی‌گراست، تنها موجودات مشاهده‌پذیر را واقعیت می‌داند و در آن، پروردگار جایگاهی ندارد و لذا با نگاه اسلام به انسان و حیثیت تفاوت زیاد دارد (خامنه‌ای، ۱۳۸۸؛ ص ۱). در نتیجه دانشی که در آن فضا تولید می‌شود با دانش مطلوب اسلامی متفاوت خواهد بود. کما اینکه این اختلاف و تضاد در علوم انسانی، به‌ویژه روان‌شناسی خود را نشان داده است.

در دو دهه اخیر مجاهدت‌های مختلفی برای تحول در علوم انسانی و بنیان‌گذاری علوم انسانی اسلامی در داخل و خارج کشور صورت گرفته که بخشی از آنها در حیطه پالایش روان‌شناسی کنونی و ایجاد روان‌شناسی اسلامی است. این جهاد علمی مبتنی بر پذیرفتن پنهانی یا آشکار یکسری اصول (axiom) است که به صورت پیش‌فرض حضور دارند و هرچند در نوبه خود جالش برانگیز، اما صد البته قابل دفاع‌اند و معمولاً در فلسفه آن علم بررسی می‌شوند.

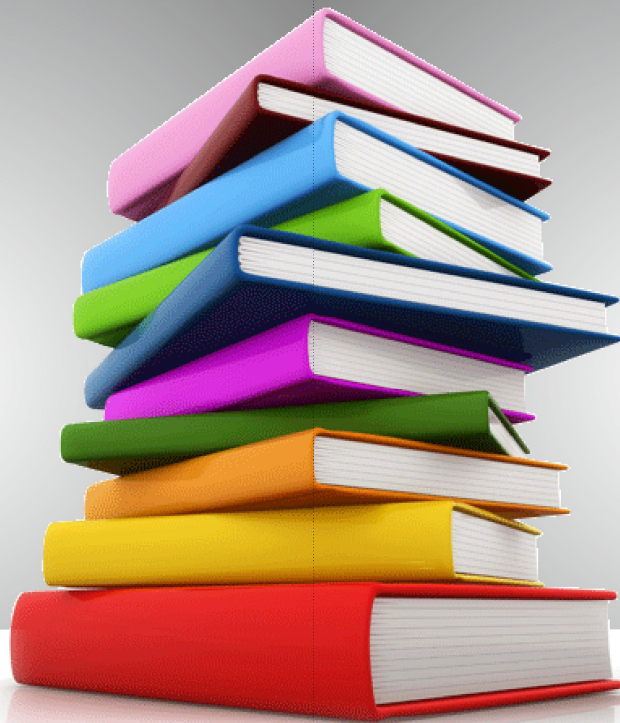
در ادامه تلاش شده است به بعضی از این اصول اشاره مختصری شود. تبیین و اثبات هر کدام از این اصول، به‌ویژه روش‌ها، بحث‌های مبسوطی می‌طلبد و می‌توان در یادداشت‌های جداگانه‌ای به آنها پرداخت.

**۱- روان‌شناسی اسلامی، شدنی است، تولید دانش روان‌شناسی اسلامی، ممکن و شدنی است و برخلاف برخی استدلال‌ها و تحلیل‌های داخلی و خارجی که تولید چنین دانشی را غیرممکن و عبث می‌دانند، موافقان آن با تکیه بر شواهد تاریخ علم و مبتنی بر فرآیند نظریه‌پردازی و تولید علم، استدلال می‌کنند که ارزش‌ها و باورهای دانشمندان و جامعه او در رویکرد وی شامل مسائل، مبانی، اهداف، منابع و روشش تأثیر گذارند (بویژه و روبین، ۱۳۹۴؛ ص ۱۲۷) و این تأثیر را به طریق اولی، می‌توان برای اسلام نیز قائل شد. نه تنها می‌توان به صورت نظری نشان داد که این چشم‌انداز شدنی است؛ در عمل نیز شاهدیم برخی از تحقیقات و مقالات تولید شده ذیل علوم انسانی اسلامی، هم‌اکنون به عنوان جزئی از علم پذیرفته شده‌اند.**



۲- روان شناسی اسلامی، مطلوب و لازم است. تحقق روان شناسی اسلامی نه تنها امری ممکن که امری مطلوب، لازم و ضرورت دنیای امروز است. عده‌ای بر آن هستند که با وجود روان شناسی کنونی، که جهانی نیز دانسته می‌شود، روان شناسی اسلامی مطلوب نیست و سرمایه‌گذاری برای آن وجهی ندارد. در حالی که اثبات می‌شود روان شناسی اسلامی در صورت تحقق، برتری‌های زیادی بر روان شناسی کنونی خواهد داشت. ضمن اینکه روان شناسی کنونی با ناتوانی‌ها و چالش‌های مهمی در توصیف، تشخیص، درمان و پیش‌بینی مواجه شده و تلاش در راستای روان شناسی اسلامی ضرورت کشور، جهان اسلام و کل دنیای امروز است.

۳- تحول در روان شناسی و تولید روان شناسی اسلامی، تلاشی علمی و در مرز علم است. هر چند حاکمیت و نظام اسلامی، تحول در روان شناسی را تشویق می‌کند اما باید توجه داشت که مجاهدت در این جبهه، برخاسته از نیاز درون جامعه علمی بوده است و دانشمندان و محققان مسلمان لزوم این تحول را بیان و تبیین کرده‌اند و هم‌اکنون نیز توسط خودشان در حال تحقق است. لذا این کار دستوری و حاکمیتی و از بالا به پایین نبوده است. از منظر دیگر تولید روان شناسی اسلامی اولاً تلاشی علمی و نه شبه‌علمی است و ثانیاً به دلیل نوبا بودن، ابهامات و سختی‌های مسیر، تلاشی در مرز دانش محسوب می‌شود و از این جهت با کارهای متداول و روزمره علمی قابل مقایسه نیست و بسیار ارزشمند می‌باشد.



۴- روان شناسی اسلامی با روان شناسی کنونی اشتراک دارد. این نگاه که تمامی محصولات و نظریات کنونی روان شناسی امیراد دارند، مورد قبول نیست. روان شناسی فعلی در نتیجه تلاش‌های نفس‌گیر و تجربیات دانشمندان تهیه شده و بخش مهمی از آن از نظر اسلامی مقبول و عقلانی و منطقی است. نوع پیشرفته این نگاه روش "تهذیب و تکمیل علم موجود" را پیشنهاد می‌کند که بر اساس آن برای تحقق روان شناسی اسلامی، به‌ویژه در کوتاه‌مدت، لازم است روان شناسی کنونی را یاد گرفت و طی فرآیند هوشمندانه تهذیب، نظریات و نکات درست و مطابق با اسلام را از آن استخراج و سپس تکمیل نمود (موحد ابطحی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳).

۵- در روان شناسی اسلامی، موضوع و مسائل نیز دستخوش تغییر می‌شوند. موضوع فعلی روان شناسی، سایکو (psycho) به معنای روان یا بعضاً ذهن است اما باید توجه داشت که در دنیای علم از جمله فیزیک، وقتی چارچوب یا نظریه جدیدی تولید می‌شود و انقلابی علمی رخ می‌دهد، این تحول لزوماً محدود به یافتن جواب‌های جدید برای سؤالات قبلی نمی‌ماند و حتی موضوع و مسائل و طبقه‌بندی علوم نیز دستخوش تغییر می‌شوند. تحول در روان شناسی از این قاعده مستثنا نیست و یکی از وجوه روان شناسی اسلامی این خواهد بود که طی آن مسائل جدیدی مطرح و خلق خواهند شد که در روان شناسی فعلی وجود ندارند و یا مسائلی که الان وجود دارند در روان شناسی اسلامی دیگر مسئله نخواهند بود. ضمن اینکه تعریف روان در روان شناسی اسلامی می‌تواند گسترده‌تر از تعریف فعلی باشد.



#### ۶- برای تولید روان شناسی اسلامی، روش های

**متنوعی وجود دارد.** در دو سه دهه اخیر اغلب تلاشها در زمینه تحول علوم انسانی، به ویژه توسط حوزویان و فلاسفه دانشگاهی، به اثبات امکان و مطلوبیت آن صرف شد و چگونگی تحقق مثلاً روان شناسی اسلامی در حاشیه قرار داشته است. اما این روند در حال اصلاح است و تاکنون روش های مختلفی برای تولید روان شناسی اسلامی معرفی و استفاده شده است. گروهی مراجعه مستقیم به قرآن و تفسیرش را انتخاب کرده اند، گروهی به فحص در روایات و احادیث مشغول شده اند، گروهی دیگر به سراغ فلسفه روان شناسی و علم النفس رفته اند، جمعی فقه روان شناسی را پیشنهاد می کنند، جمعی دیگر به تهذیب روان شناسی کنونی می پردازند، جریانی تربیت و اسلامی شدن ذهن و ضمیر محقق را کافی می دانند (سروش، ۱۳۸۸؛ ص ۳۰۲) و در نهایت افرادی نیز به احیای سنت ها و نظریات دانشمندان مسلمان دوره تمدن اسلامی معتقدند. آنچه که در این میان مهم است توجه به این نکته است که همه این روش ها ارزشمندند و هر کدام ما را به بخشی از روان شناسی اسلامی خواهند رساند. لذا در حال حاضر لزوماً یک روش وجود ندارد و حتی به نظر می رسد به یک روش نیز نباید بسنده کرد و استفاده از روش ترکیبی و بهره مندی از مجموعه این روش ها، بسته به مسائل، مطلوبتر خواهد بود.

#### ۷- یکی از منابع دین برای روان شناسی اسلامی، عقل

است. در فقه و در روایات دین ما، از عقل به عنوان پیامبر درون نام برده شده که در عرض نقل، حجت و معیبر است و هم ابزار فهم نقل مشتق از وحی می باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۷؛ صص ۷۰-۷۱). بر این اساس جایگاه بالایی دارد و نباید از آن غفلت کرد. اسلام، عقل و تلاش عقلانی و منطقی را جزئی از خود می داند که در نتیجه تجربه، مشاهده و سایر تلاش های علمی دانشمندان نیز، در صورتی که مبتنی بر روش عقلانی و منطقی باشد، مورد قبول اسلام خواهد بود.

#### ۸- تولید روان شناسی اسلامی تلاشی بین رشته ای

است. تا زمانی که مبانی اسلامی مربوط به شناخت روان، از دل منابع دین استخراج و درون روان شناسی تزریق نشده باشد، محقق روان شناسی اسلامی لازم است که به منابع دین مراجعه کند و لازمه این تلاش علاوه بر دانش روانشناختی، نیازمند پژوهش در منابع دین و اطراف آن، مانند تفسیر و فقه و فلسفه، خواهد بود.

#### ۹- روان شناسی اسلامی، روان شناسی دین یا روان

**شناسی مثبت گرا نیست.** روان شناسی دین، یک جریان و گرایش است که به بررسی موضوعات روانی مناسک و اعتقادات دینی و دینداران می پردازد و عملاً جزئی از روان شناسی کنونی است و لذا با روان شناسی دینی، مانند روان شناسی اسلامی، یکی نمی باشد و نسبت عام و خاص من وجه دارند. روان شناسی مثبت گرا نیز در جهت زندگی بهتر برای انسان های سالم ایجاد شده است و وضعیتی مشابهه دارد. در نتیجه نباید روان شناسی اسلامی را به روان شناسی دین یا مثبت گرا تقلیل داد.

#### ۱۰- تولید روان شناسی اسلامی زمانبر است.

روان شناسی کنونی محصول ده ها سال تلاش علمی جامعه بزرگی از دانشمندان جهان است و نباید انتظار داشت که در طول چند سال، بدیل آن یعنی روان شناسی اسلامی ایجاد شود. مخصوصاً که روان شناسی اسلامی هم اکنون در دوران اولیه خود به سر می برد و هر چند آینده درخشانی دارد اما در حال حاضر تعداد محققان و دانشجویانی که در این حوزه مشغول به فعالیت اند حداکثر چند صد نفر خواهد بود. این نگاه می تواند منجر به تولید محتواهای ضعیف و عجله در انتشار آنها به اسم روان شناسی اسلامی گردد که عواقب تلخی در آینده خواهد داشت و ممکن است جریان فعلی را به جریانی ضعیف از نظر علمی مبدل کند.

#### نتیجه

آنکه به نظر می رسد روان شناسی اسلامی به عنوان دانشی برخاسته از منابع وحیانی اسلام، رویکردی در حال گسترش و رشد است که راهی بلندمدت در پیش دارد. اگر در سال های دور، وجود چنین دانشی مغفول بود و پرفردار و منطقی نمی نمود، هم اکنون اندیشمندان و دانشجویان قابل توجهی را امیدوار و معتقد به خود نموده است که نه تنها از چینی و چرایی آن گذر کرده که وارد عرصه چگونگی، روش و علم ورزی شده اند.

#### منابع

۱. بویژه، ماریو و روبین، اردیلا (۱۳۹۴)، فلسفه روان شناسی و نقد آن، ترجمه دکتر زارعان، محمدجواد و همکاران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. سروش، دکتر عبدالکریم (۱۳۸۸)، نقر صبح، گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی، انتشارات صراط.
۳. جوادی آملی، آیت الله عبدالله (۱۳۸۷)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، مرکز نشر اسراء.
۴. خامنه ای، آیت الله سیدعلی (۱۳۸۸)، "پیامات در دیدار جمعی از بانوان قرائینوز کشور"، وبگاه خامنه ای، آ. آر.
۵. موحد ابطعی، محمدتقی (۱۳۹۱)، "دفاعی از رویکرد تهذیب و تکمیل علوم موجود در تولید علم دینی"، پژوهش های علم و دین سال سوم بهار و تابستان ۱۳۹۱، شماره ۱.